

دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی در نظریه اسکاچپول*

بهزاد قاسمی¹

چکیده

تحلیل مقایسه‌ای تدا اسکاچپول از انقلاب‌های اجتماعی جوامع دهقانی بر اساس مفروضات «مور» و «تیلی» بنا شده است. البته وی بعضی اصلاحات و تعدیلات را اعمال کرده است. همانند اکثر تحلیل‌های تاریخی انقلاب، اسکاچپول بسیج جمعی کشاورزان را تعیین کننده می‌داند؛ وی یک ایده کلیدی را هم از «مکس وبر» می‌گیرد. فرایندهای درونی انقلاب به فعالیت‌های دولت در حوزه سیاسی مرتبط اند. استدلال اساسی اسکاچپول چنین است که: شرایط انقلابی توسعه یافته (جدی شده) به بروز بحران‌های سیاسی - نظامی دولت و طبقه مسلط وابسته است. بنابراین اگرچه نابرابری طبقاتی تاثیر زیادی در بسیج و اقدام جمعی کشاورزان دارد ولی چنین اقدام جمعی موفق نمی‌شود، مگر اینکه دولت نوعی بحران مشروعیت برخاسته از شکست نظامی در حوزه سیاسی را تجربه کند. نکته قابل توجه در بررسی انقلاب‌های مورد نظر اسکاچپول به روش شناسی آن است، بدین معنی که روش او به تبعیت از برینگتون مور در کتاب ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی اساساً تجزیه و تحلیل تاریخی و مقایسه‌ای است؛ در این رابطه جوامع فرانسه، روسیه و چین را به‌عنوان انقلاب‌های اجتماعی برگزیده است. در مجموع باعث شد وی، در میان ساختارگرایان و نیز در به کارگیری سبک و روش مقایسه‌ی تاریخی از شهرت خاصی برخوردار شود.

واژه های کلیدی: اسکاچپول، نظریه ساختاری، دولت‌ها و انقلابات اجتماعی، تطبیقی تاریخی.

States & social revolutions in skocpol's theory *

Behzad Ghasemi²

Abstract

Theda skocpol s comparative analysis about peasant societies social revolutions based on Moore and Tilly assumptions .of course skocpol has performed some change and modification. same most of revolutions comparative analysis skocpol knows determinant collective mobilization of peasant. Skocpol's key idea emanate from Max weber. internal process of revolution link to state activity in political field. Skocpols argument is this: developed revolution conditions depend on emerge of political military crisis in state and dominant class. So although class inequality has great effect on mobilization And collective action of peasant but such action not succeed unless state experienced a legitimacy crisis emanate from military defeat in political field. Notable point about methodology of skocpol: his method fundamentally following Moore in social origins of dictatorship and democracy is comparative and historical survey. in this regard skocpol chooses china, Russia and French societies as a social revolutions. skocpol sake use of historical comparative method has famous among structuralists.

Keywords: skocpol, structural theory, states and social revolutions, historical - comparative method.

* بررسی تحلیلی کتاب، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی تدا اسکاچپول.

1. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا

2. Ph.D student in the history of the Islamic Revolution, Ali Sina University. E - mail:

behzadg128@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در سال 1979م به پیروزی رسید، باعث شد که نظریه‌پردازان انقلاب به تحلیل درباره انقلاب اسلامی پرداخته و در صدد تطبیق نظریات خود با آن برآیند. «بی‌شک هر نظریه پردازی در برخورد با یک تحول اجتماعی و سیاسی، نخست در صدد بر می‌آید ضمن تطبیق نظریه‌های خود با آن پدیده، به تحلیل آن بپردازد. اگر یک نظریه در تحلیل کامیاب بود، آن تحول اجتماعی به منزله یکی از مویدات آن محسوب خواهد شد اما چنانچه این نظریه قادر به تحلیل و تبیین آن تحول اجتماعی نبود و قبای آن بر پیکر حادثه فراخ یا تنگ آمد، آن وقت است که این پدیده اجتماعی به صورت یکی از مبطل‌های نظریه در می‌آید و چاره اندیشی آغاز می‌شود. البته به قول لاکاتوش، تاریخ علم نشان می‌دهد چنین نیست که نظریه‌پردازان در برخورد با موارد مبطل، دست از اعتقاد خویش نسبت به آن نظریه شسته باشند؛ بلکه سعی می‌کنند با رفو کردن‌های پی در پی و ترمیم‌های مناسب و تبصره‌های الحاقی و متناسب با مورد، توانایی را به نظریه بازگردانند. انقلابات در علم هنگامی رخ می‌دهند که این تبصره‌های الحاقی چنان افزوده شوند که از اصل نظریه فربه‌تر گردند یا دیگر نتوانند گرهی از کار فروبسته آن بگشایند. تنها در این موارد است که شاهد انقلاب‌های علمی هستیم»¹

دسته‌ای انقلاب را نتیجه اجتناب‌ناپذیر ساختارهای اجتماعی در ادوار تاریخی می‌دانند. دسته دیگری با تکیه بر عملگرایی، ضرورت انقلاب را به دلیل عینی بودن ثبات اجتماعی نفی می‌کنند. گروهی نیز معتقدند که «جامعه توده وار» که مبتنی بر ثبات سنتی ساختارهای معینی است، اگر مواجه با انهدام ساختارهای خود گردد، به سوی انقلاب مردمی گرایش می‌یابد. گروهی دیگر با توسل بر توجیهات روانشناسی اجتماعی، می‌کشند انگیزه‌های «قیام بر ضد حکام مستقر» و یا عدم تحقق تصورات توده‌ها در کل دوره حیاتشان را بررسی کنند. این گروه‌ها طیف گسترده‌ای از اندیشه در انقلاب را به نمایش گذاشته‌اند.²

هر چند هدف هر نظریه انقلاب آن است که پژوهشگر یا خواننده مطالب خود را به کلید یا شاه کلیدی برای گشودن این پدیده مجهز کند، اما ماهیت پدیده‌های اجتماعی و پیچیدگی آنها به دلیل

1. سعید حجاریان، تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریات علوم اجتماعی، رشد معلم، شماره 171، ص 31.

2. علی رجیلو، تأمل نظری در مفهوم انقلاب، حضور، شماره 16، تابستان و پاییز 1375، ص 241.

ارتباط با عوامل انسانی که دارای قوای تفکر، حافظه، اراده و امثال آن است. بدین ترتیب، مجموعه‌ای از نظریه‌های متفاوت که حتی برخی با یکدیگر کاملاً متناقض اند، پدید آمده است.¹ از نظر جان فوران نیز «موضوع نظریه اجتماعی در دهه 1980 به این صورت درآمد که: آیا انقلاب ایران را باید به عنوان مورد منحصر به فرد، بر خلاف سایر انقلاب‌ها مورد بررسی قرار داد یا این که علت انقلاب‌ها را در پرتو شواهد ایران مجدداً مورد مذاقه قرار داد؟»² تا پیش از پیدایش انقلاب اسلامی، بیشتر نظریه‌پردازان انقلاب در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی گرایش‌های ساختارگرایانه داشتند. این نظریه‌پردازان، معمولاً با بررسی نمونه‌های متنوعی از انقلابات کشورهای پیرامونی سعی داشتند با انتزاع وجوه مشترک این انقلاب‌ها و تعمیم آنها به یک نظام همه شمولی دست یابند که در پرتو آن بتوان هر انقلاب جدیدی را که در جهان رخ می‌دهد تبیین و یا حتی وقوع آن را قابل پیش‌بینی کرد.³ در نظریه ساختارگرایانه به مولفه‌هایی چون رهبری، ایدئولوژی، احزاب و سازمان‌های سیاسی، فرهنگی، روشنفکران و کارگزاران تاریخی کمتر توجه شده است و بیشتر مولفه‌های ساختاری چون ساخت اجتماعی و سیاسی، ساخت نظام بین‌المللی و ساخت دولت مدنظر قرار گرفته‌اند.⁴

در پژوهش و تحلیل مورد بررسی از دیدگاه و نظریه خانم اسکاچپول سه ویژگی مهم، محور اندیشه ساخت‌گرایی را ترسیم کرده و آنچه را که در تبیین یک انقلاب ضروری است، برمی‌شمارد. از دیدگاه او هر انقلابی بر مبنای سه عامل قابل تحلیل است.⁵

1. عدم توانایی و کارایی دولت

2. تضاد بین طبقه اجتماعی - اقتصادی مهم کشور با دولت

3. شرایط بین‌المللی

اسکاچپول معتقد است که انقلاب‌ها زمانی به وقوع می‌پیوندند که دستگاه اداری و نظامی دولت به واسطه فشارهای بنیادی متعدد فلج شده باشد. در وهله اول یک دولت باید در یک جامعه کشاورزی با خصوصیات ویژه درونی و موقعیت نامساعد در عرصه بین‌المللی و نظام سرمایه‌داری جهانی قرار

1. مصطفی ملکوتیان، سبری در نظریه‌های انقلاب (تهران: نشر قومس 1387)، ص 5.

2. جان فوران، انقلاب 1977-79: چالشی بر تئوری اجتماعی، حضور، شماره 18، ص 187.

3. حجاریان، همان.

4. محمد رحیم عیوضی، تحول در نظریه‌های انقلاب، نامه پژوهش، شماره 10 و 11، ص 1377، ص 277.

5. فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، چاپ دوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1377)، ص 50.

گیرد. این کشور در رقابت با کشورهای قوی‌تر سعی در نوسازی خود می‌کند. تنها راه این کشور برای تامین بودجه این‌گونه تلاش‌ها جهت نوسازی، تحت فشار قراردادن طبقه زمیندار برای کسب درآمد مورد احتیاج می‌باشد. تسلیم شدن آن‌ها به سهولت صورت نمی‌گیرد و چنین شرایطی زمینه مساعدی را برای نزاع بین دولت و طبقه زمیندار فراهم می‌سازد. این مبارزه به دو طریق می‌تواند به انجام برسد: یا دولت تحت چنین فشارهایی به سازماندهی مجدد جامعه و اقتصاد قادر می‌شود یا با شکل‌گیری دولت جدیدی که قادر به سازماندهی مجدد ساختار اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، فرو می‌پاشد. مورد اول هنگامی به وقوع می‌پیوندد که افراد رده بالا و متوسط نظام و دولت از طبقه زمیندار نباشند. به نظر اسکاچپول مورد دوم وقتی به وقوع می‌پیوندد که دولت و ارتش به ویژه مقامات متوسط و بالای آنها از ملاکین باشند. در چنین مواردی دولت به راحتی قادر به تصمیم‌گیری درباره فرآیند نوسازی نیست. اسکاچپول معتقد است که چنین شرایطی باعث فروپاشی نظامی و اداری می‌گردد و این امر راه را برای شورش‌های دهقانی هموار می‌سازد. اگر چه زوال قدرت دولت برای وقوع هر انقلابی ضروری است اما کافی نیست. وجود شورش‌های انقلابی دهقانی و مشارکت نخبگان حاشیه‌ای در بسیج انقلابی نیز از عوامل مهم برای موفقیت یک انقلاب اجتماعی هستند. وی قائل به برتری تحلیل‌های ساختاری نسبت به تحلیل‌های اراده‌گرایانه و غیر ساختاری است. به نظر او انقلاب‌ها بر اساس یک نقشه از پیش طراحی شده ساخته نمی‌شوند. انقلاب یک اقدام جمعی آگاهانه نیست بلکه محصول تلاقی تصادفی یک سری عوامل ساختاری است. همچنین بر استقلال دولت از طبقات اجتماعی تاکید می‌ورزد. به نظر وی دولت سازمانی است واقعی برخوردار از نیروهای قهریه و اداری که منافع خاص خود را دارد و براساس آن منافع در اعمال و رفتارشان منطبق خاصی را دنبال می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ای برای بازبینی این نظریه به وسیله خانم اسکاچپول شد. توجه به انقلاب اسلامی و بررسی مولفه‌های موجود در آن، او را به این نتیجه هدایت کرد که ممیزه دیگر انقلاب ایران، اهمیت نقش عنصر ایدئولوژی و رهبری در بسیج مردم و شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود. با وجود این، این بار نیز چون موارد دیگر تحلیلی ساختاری از ایدئولوژی ارائه می‌کند. وی استدلال می‌کند که ایدئولوژی‌های وارداتی نمی‌توانند در شکل‌گیری انقلاب‌ها نقشی ایفا کنند. او می‌گوید تشیع قرن‌ها در تاریخ ایران ریشه دوانده بود. بدین سبب تفسیری نو از آن از سوی مردم بسیار راحت بود. اسکاچپول در تحلیل انقلاب ایران همچنین به نقش رهبری و شبکه روحانیت، مساجد و انجمن‌های اسلامی در ارائه و پذیرش تفسیری و مکتبی از تشیع و تبیین استراتژی مبارزه با نظام شاهنشاهی، هر چند به صورت محدود اشاره می‌کند.

2. معرفی تدا اسکاچپول و کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی

اسکاچپول متولد سال 1947 در ایالت میشیگان آمریکا است. وی دانش‌آموخته هاروارد بوده و در حال حاضر در این دانشگاه مشغول به تدریس است. اسکاچپول ابتدا در دانشگاه شیکاگو مشغول به تدریس شد؛ سپس در سال 1985 به دعوت دانشگاه هاروارد به آنجا رفته و به این ترتیب وی اولین استاد زن جامعه‌شناسی در این دانشگاه شد. در سال‌های اخیر عمده فعالیت‌های اسکاچپول بر روی ایالت متحده متمرکز شده و جایزه‌ای را از آن خود کرده است.¹ یک تحلیل تاریخی پیرامون دولت رفاه آمریکایی و همچنین بر روی تعهدات مدنی، یعنی بررسی تاریخی انجمن‌های داوطلبانه در طول دو دهه اخیر تمرکز داشته است؛ وی از خود آثار علمی فراوانی به جای گذاشته که در اینجا به خلاصه کتاب دولت‌ها و انقلابات اجتماعی می‌پردازیم.

پیش‌زمینه‌های تحقق یک انقلاب اجتماعی از دیدگاه اسکاچپول را در دو سطح ساختار داخلی و خارجی، در مراحل ذیل می‌توان خلاصه نمود: در سطح ساختار داخلی: در این سطح شامل بحران سیاسی دولت، شورش از پایین و همچنین مشارکت نخبگان حاشیه‌ای می‌شود. وی معتقد است که مشارکت نخبگان، از آنجا که محدود به موقعیت‌های ساختاری اجتماعی، زمینه‌های تاریخی جهانی و بین‌المللی می‌باشد، رفتار سیاسی آن‌ها، با وجود داشتن گرایش‌های ایدئولوژیکی متفاوت خواهد بود.² در سطح ساختار بین‌المللی، اسکاچپول بر اهمیت عوامل فراملی یا بین‌المللی بیش از اندازه تأکید می‌کند؛ به نظر وی تکیه‌ی صرف بر جوامع مدرن در تحلیل انقلاب‌های اجتماعی، تحلیل‌گر را تنها به تجربه‌ی جوامع اروپایی محصور می‌کند، چرا که همه‌ی مفاهیم مربوط به فرایندهای مدرن، از تجربیات اروپای غربی برخاسته‌اند و انقلاب‌های ملی، اقتصادی و تجاری نیز از همان جا نشأت گرفته است.

اسکاچپول تعریف خود را یک تعریف بدیع و تازه از انقلاب‌های اجتماعی می‌داند و معتقد می‌شود که «این مفهوم از انقلاب اجتماعی با بسیاری از تعاریف موجود متفاوت بوده و از نظر تاریخی نیز نمونه‌های چندانی ندارد. این قبیل تعاریف به جای پرداختن به ابعاد مختلف انقلاب، تنها به یک صورت تحلیلی مانند خشونت و یا منازعات سیاسی می‌پردازند.

1. فریده فرهی، نظریه‌ی تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی، تهران، متین، سال اول، شماره اول، 1377، ص 37.
2. تدا اسکاچپول، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه‌ی سیدمجید روئین‌تن (تهران: سروش، 1376)، ص 213.

دولت‌ها و انقلابات اجتماعی: اسکاچپول در این کتاب بحث خود را ابتدا از علل و عوامل ایجاد انقلاب، علل و عوامل تعیین کننده در شکل‌گیری حکومت‌های انقلابی آغاز می‌کند و سپس به تشریح دو انقلاب مورد نظر خود یعنی انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی می‌پردازد. سازماندهی کتاب: کتاب شامل یک پیش‌گفتار و دو بخش است که عبارتند از: تبیین انقلاب‌های اجتماعی جایگزینی برای نظریه‌های موجود. سپس بخش اول کتاب با عنوان دلایل پیدایش انقلاب‌های اجتماعی در فرانسه، روسیه و چین، شامل دو فصل با این عنوان است: 1. نظام‌های قدیمی در بحران و 2. بافت دهقانی و قیام دهقانان. بخش دوم با عنوان پیامدهای انقلاب‌های اجتماعی در فرانسه، روسیه و چی چهار فصل دارد: 1. چگونگی تغییرات ساختار حکومت، 2. تولد حکومت مدرن در فرانسه 3. ظهور دیکتاتوری حزبی در شوروی 4. آغاز بسیج عمومی، حکومت حزبی در چین.

طرح مسئله و ضرورت ایجاد انقلاب: در نظر اسکاچپول انقلاب‌ها زمانی به وقوع می‌پیوندند که بحران سیاسی - نظامی با شورش از سوی طبقات پایین و مشارکت نخبگان حاشیه‌ای در بسیج انقلابی همراه شود. به نظر او، وقتی یک جامعه کشاورزی در رقابت با کشورهای قوی‌تر در عرصه بین‌المللی و نظام سرمایه‌داری جهانی قرار می‌گیرد، با تهدید شکست نظامی مواجه می‌شود، بنابر این سعی در نوسازی خود می‌کند. هزینه این برنامه به دلیل آنکه مازاد محصول کشاورزان برای اهداف دیگر دریافت شده است، باید عمدتاً از سوی ملاکین تامین شود. اکنون اگر افراد و مقامات نظام از طبقه زمین‌دار نباشند، نوسازی بدون فروپاشی دولت صورت می‌گیرد، در غیر این صورت از آنجائی که نظامیان نیز در محو این طبقه اکراه دارند، دولت دچار فروپاشی اداری و نظامی می‌گردد. در چنین شرایطی، نخبگان شهری و حاشیه‌ای به بسیج توده‌ها می‌پردازند و دهقانان ناراضی سر به طغیان بر می‌دارند. نخبگان نه به دلیل ایدئولوژیک، بلکه بدان خاطر که در رژیم موجود نیل به مقامات و موقعیت بالاتر را به دلیل عدم تعلق به طبقه اشراف یا نداشتن ثروت دور از دسترس می‌بینند، در صدد سازماندهی و بسیج توده‌ها بر می‌آیند. به‌طور کلی، اسکاچپول در این رابطه پنج متغیر را مورد تاکید قرار می‌دهد: 1. اقتصاد کشاورزی، 2. امکان بهره‌گیری از مازاد سود در نوسازی، 3. ماهیت حکومت و رابطه آن با مالکان زمین، 4. فشارهای شدید و خفیف از سوی کشورهای سرمایه‌داری، 5. پتانسیل‌های انقلابی دهقانان.

اسکاچپول، برای اثبات ادعای انقلاب ساختاری خود از انقلاب‌های فرانسه، چین، روسیه، ژاپن، آلمان و انگلستان مثال می‌زند. بنابراین، زبده و چکیده دیدگاه اسکاچپول در کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی در باب انقلاب آن است که انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه می‌آیند.

اسکاچپول ارادی بودن وقوع انقلاب را رد می‌کند. اسکاچپول با توجه به دیدگاه ساختاری خود، نقش اندیشه، ایدئولوژی، اراده و رهبری را در انقلاب منکر می‌شود. او حتی در تشکیل حکومت‌های پس از انقلاب نیز نقش اراده، اندیشه و امثال آن را رد کرده است.

برای شکل‌گیری حکومت‌های انقلابی دلایلی را در نظر می‌گیرد که عبارتند از: اول؛ ماهیت بحران‌های اجتماعی که به تضعیف طبقات حاکم و به قدرت رسیدن گروه جدید می‌انجامد، دوم؛ میراث اجتماعی و اقتصادی رژیم سابق، سوم؛ شرایط بین‌المللی.

اسکاچپول بین انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی بیان می‌دارد که یک انقلاب سیاسی با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است. همچنین، منازعات طبقاتی و دهقانی نقشی در آن ندارد. انقلاب‌های سیاسی ساختار حکومت را تغییر می‌دهند، ولی ساختار اجتماعی را تغییر نمی‌دهند، و ضرورتاً نیز ناشی از تعارضات طبقاتی نیستند. اما یک انقلاب اجتماعی عبارت است از: انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که با اغتشاشات طبقاتی از پایین جامعه مثل دهقانان همراهی می‌شود. علاوه بر این، باعث دگرگونی‌های ریشه‌دار در ساختار طبقاتی و اجتماعی می‌شوند. بنابراین تعاریف، انقلاب اسلامی ایران را باید در زمره‌ی انقلاب‌های اجتماعی به نظر اسکاچپول دانست.

3. روش‌شناسی (روش پژوهش اسکاچپول)

اسکاچپول هرگز به شیوه‌ای مستقیم در خود کتاب دولت‌ها و انقلابات اجتماعی، روش مورد استفاده‌اش در تدوین مطالب را بیان نمی‌نماید و تنها اشاراتی گذرا به این موضوع دارد. برای مثال وی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: به سه انقلاب فوق‌الذکر «فرانسه، روسیه، چین» به‌عنوان یک پدیده انقلابی اجتماعی با روش مقایسه تاریخی نگریسته شده است. در نتیجه در مقام مقایسه، هم به وجوه اشتراک آنها و هم به ویژگی‌های منفرد و منحصر به فرد آنها توجه شده است،¹ که این امر بر استفاده از روش توافق اختلاف استوارت میل دلالت دارد. او در ادامه می‌افزاید بر اساس تجربیاتی که از مطالعات و بررسی‌های خود داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که سه انقلاب مذکور را به روشی مقایسه‌ای مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و نقاط اختلاف آنها را با سایر انقلاب‌های اجتماعی کشف کنیم،² از نظر اسمیت، این منطق و روش تحقیق نیمه تجربی اسکاچپول است که

1. اسکاچپول، ص 10.

2. همان، ص 13.

موجب مقبولیت کار او شده است و نه زیبایی و ظرافت مدل تضاد ساختاری او. از نظر او اسکاچپول، همچون لیپست و بلوخ، تعمیم تجربی و تحقیق تاریخی را به طور یکسانی ترکیب می‌کند. اسمیت با مقایسه ندا اسکاچپول و بارینگتون مور در استفاده از روش تطبیقی و مقایسه‌ای می‌نویسد مور از مقایسه به عنوان روشی برای آزمودن یا رد کردن تعمیم‌های بالقوه تجربی‌ای که میتواند موارد خاص را توضیح دهد، استفاده کرده است؛¹ مور برای تحقق این امر، دو شیوه متفاوت را به کار برده است. وی در روش توافق به بررسی موردی سه نمونه از انقلاب اجتماعی محقق شده، یعنی فرانسه، روسیه و چین، علی‌رغم تفاوت‌های آنها به طور مثال در سطح تکنولوژیک می‌پردازد. در واقع او به دنبال تبیین وقوع و شناسایی علل و عوامل علی این پدیده است.

4. چارچوب نظری (چارچوب پژوهش کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی)

اسکاچپول بر اساس سنت دانشگاه هاروارد یک ساختارگرا است و این ساختارگرایی بیش از همه در این جستارهایی در جامعه‌شناسی تاریخی عقیده او که انقلاب‌های اجتماعی ساخته نمی‌شوند بلکه به وجود می‌آیند، متجلی است. او شاگرد برینگتون مور است و در آراء خود به شدت متأثر از اوست. اسمیت در کتاب برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی تشابه و تفاوت آراء مور و اسکاچپول می‌پردازد. تشابه اسکاچپول و مور در این است که هر دو به دولت به عنوان دستگاه بالقوه خودمختار می‌نگرند؛ به بررسی پیامدهای تنش‌های ساختاری در جوامع زراعی بورکراتیک می‌پردازند؛ هر دو به تضادها و کشمکش‌های میان دولت و زمین‌داران بزرگ بر سر استثمار طبقه دهقان توجه دارند؛ و هر دو در کتاب خود به روندهای وحدت و تفرقه در اجتماع دهقانی به عنوان نشانه‌گرایش دهقانان به مقاومت سازمان یافته در برابر سرکوب اشاره می‌کنند. کاووس سید امامی در مقاله خود با عنوان «روش‌های تاریخی - تطبیقی در آثار ندا اسکاچپول و چارلز تیلی» با اشاره به شباهت‌های مور و اسکاچپول می‌نویسد، اسکاچپول نیز همچون مور به تعمیم‌های ساختاری در تبیین تحولات تاریخی جامعه‌های بشری اهتمام می‌ورزد.

اسمیت معتقد است از جمله تفاوت‌های موجود در آراء اسکاچپول و مور، تأکید مور بر تأثیر تجاری شدن و دموکراتیزه شدن دولت بر یکپارچگی‌های طبقاتی و ائتلاف‌ها و کشمکش‌های میان علایق استوار است، حال آنکه اسکاچپول بر نحوه بحرانی شدن تعارضات ساختاری تحت تأثیر فشارهای خارجی تأکید دارد. همچنین، مور بر مجموعه وسیعی از خط سیرهای ملی و پیامدهای سیاسی

1. دنیس اسمیت، درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری (تهران: نشر مروارید، 1386)، ص 125.

محدود تمرکز می‌کند اما اسکاچپول بر شکل خاصی از دگرگونی اجتماعی - سیاسی که به چند پیامد سیاسی منجر می‌شود، تأکید دارد. مور برخلاف اسکاچپول به ارزیابی اخلاقی می‌پردازد. اسمیت در تقسیم‌بندی که در خصوص روند مطالعات تاریخی تطبیقی ارائه داده است، اسکاچپول را واسطه گذار از مرحله دوم به مرحله سوم جامعه‌شناسی تاریخی می‌داند. از نظر سید امامی، تحلیل ساختی اسکاچپول در برخی زمینه‌ها با تحلیل مور متفاوت است. از جمله مهم‌ترین این تفاوت‌ها، انتقاد وی بر تحلیل طبقاتی بسیار منجمد مور و کوشش برای معرفی دولت به عنوان متغیری مستقل در تحلیل‌های تاریخی مربوط به تحولات اجتماعی است. از سوی دیگر، اسکاچپول نظر بر آن دارد تا از فرآیندهای دگرگون‌ساز درون جامعه‌ای مورد نظر مور، پا را فراگذاشته و فرایندهای جهانی و بینا-جامعه‌ای را نیز در تحلیل خود بگنجانند.

با ارزیابی نظرات کارل مارکس در خصوص انقلاب و نقد آن، رویکردی جایگزین یعنی رویکرد ساختاری را پیشنهاد می‌دهند. از نظر این دو دلیل تأثیرگذاری نظریه مارکس، اختصاص این نظریه به بعضی شرایط تاریخی و جوامع خاص و وجود یک وضعیت انقلابی عینی به واسطه وجود تعارضات در مجموعه ساختار اجتماعی و وضعیت تاریخی و نیز توجه به مبارزه طبقاتی به عنوان وجه متمایز انقلاب است. از نظر مارکس، انقلاب زمانی رخ می‌دهد که شیوه تولید موجود به مرز تعارضات خود میان نیروهای اجتماعی و روابط تولید برسد. در نتیجه تأکید وی بر دلایل درونی رخداد انقلاب و وقوع انقلاب در صورت‌بندی‌های اجتماعی با سطح تولید اقتصادی پیشرفته‌تر است. اما اسکاچپول و تریمبرگر ادعا می‌کنند که نظریه مارکس با انقلاب‌های تاریخی واقعی انطباق ندارد و از انقلاب فرانسه به بعد، انقلابها در کشورهایی با سطح توسعه‌یافتگی ضعیف، رخ داده است. مارکس در خصوص نتایج جستارهایی در جامعه‌شناسی تاریخی انقلاب‌ها به تغییر روابط طبقاتی تکیه می‌کند، حال آنکه به لحاظ تاریخی در انقلاب‌ها، ساختارهای دولت نیز تغییر یافته‌اند، متمرکزتر و دموکراتیک‌تر شده‌اند و توسعه اقتصادی پس از انقلاب بر کارکردهای دولت نیز تأثیر گذاشته است. اسکاچپول و تریمبرگر به جای نظریه مارکس، تحلیل ساختاری را مطرح می‌نمایند که در آن به بررسی یک مفهوم غیرتقلیل‌گرایانه از دولت‌ها؛ تحلیل‌های اجتماعی ساختاری در مورد وضعیت دهقانان درون رژیم‌های پیشین و جدید؛ تأکید بر رقابت نظامی بین المللی میان دولت‌ها درون اقتصاد سرمایه‌داری در حال توسعه جهانی می‌پردازند.

5. تحلیل متن و محتوا

از نظر اسکاچپول یک انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است. در شکل‌گیری این انقلاب، منازعات طبقاتی و دهقانی نقش ندارند. در باره انقلاب اجتماعی اسکاچپول بر این عقیده است که یک انقلاب اجتماعی عبارت از انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که با اغتشاشات طبقاتی از پایین جامعه (دهقانان) همراهی و در بخشی حمل می‌شود. به علاوه، چنین انقلابی در مجموعه منحصر به فردی از شرایط اجتماعی و ساختاری و بین‌المللی صورت می‌پذیرد. اسکاچپول تفسیر انقلاب اجتماعی را تنها مبتنی بر عوامل ساختاری و از پیش تعیین شده می‌داند. وی در وقوع انقلاب، نقش انقلابیون در گسترش ایدئولوژی خود و موفقیت آن‌ها در این زمینه را انکار می‌کند.

مثال‌های عمده اسکاچپول از انقلابات موفقیت‌آمیز شامل فرانسه 1789، شوروی 1917، چین 1949 می‌شود، که باثبات نسبی کشورهای هم‌چون ژاپن، آلمان، پروس و انگلستان جایگزین انقلابات بزرگ نه در دوران فئودالیت و نه در زمان انتقال به نظام سرمایه‌داری تجاری روی داد؛ مقایسه شدند. همه جوامع مورد مطالعه اسکاچپول ویژگی‌های معینی داشتند:

1. در همه آن‌ها کنترل نظامی - اداری تحت نظارت یک حکومت پادشاهی بود.
 2. حکومت پادشاهی نمی‌توانست مستقیماً روابط اجتماعی و اقتصادی فئودالیت را کنترل کند.
 3. طبقه عمده تصاحب‌کننده مازاد اضافی، اشراف زمین‌دار بودند که قسمتی از ثروشان را به شاه تقدیم می‌کردند.
 4. همه اشراف زمین‌دار به نیروی کار کشاورزان وابسته بودند.
 5. در درون این جوامع، روابط بازرگانی، طبقه بازاری و حتی طبقه صنعتی اولیه می‌توانست وجود داشته باشد اما این طبقات نسبت به حکومت پادشاهی و اشراف زمین‌دار زیردست بودند.
 6. اشراف زمین‌دار در همه این جوامع در فراهم ساختن موقعیت‌های سرپرستی در هیئت قضایی و بوروکراسی اداری از دولت مستقل بودند. با این حال اگر چه منافع اشراف زمین‌دار و دولت به‌طور کلی هم جهت بود ولی منافع‌شان به علت تمایل اشراف زمین‌دار به افزودن ثروت شخصی، کسب امتیازات شخصی از طریق نیروی کار کشاورزی یا فعالیت‌های بازرگانی و از طرف دیگر تمایل پادشاه برای اداره مالی ماجراجویی‌های نظامی و توسعه اقتصادی اختلاف پیدا می‌کرد.
- انقلاب اجتماعی در مقیاس بزرگ زمانی آغاز می‌شود؛ که دولت در جنگ نظامی با سایر دول شکست بخورد و بسیج جمعی کشاورزان به حرکت و تکاپو بیافتد و خصومت اشراف زمیندار را تحریک کند. خصومت نخبگان به‌ویژه زمانی محتمل است که دولت در نتیجه شکست نظامی و در

یک فرایند تهدید کننده نخبگان اصلاحاتی را شروع کند. به عنوان یک نتیجه، دولت برای انقلاب از پایین به وسیله توده‌های مردم و یا از بالا به وسیله طبقات بالا که اغلب منافع خودشان را دنبال می‌کند آسیب‌پذیر می‌شود. اما کشاورزان با وجود ظلم و ستم به‌طور خود به‌خود بسیج نمی‌شوند. کشاورزان فقط در شرایط ویژه می‌توانند به‌طور موفقیت آمیز شورش کنند: ابتدا آنها باید برای افزایش دادن انسجام شان توانا باشند. سپس باید از نظارت و کنترل مستقیم و روزمره مالکان (ردها) استقلال داشته باشند و اینکه دولت باید به دنبال شکست نظامی به اندازه‌ای ضعیف شده باشد.

یک عامل تعیین کننده برای سرکوب شورش‌های مردمی و یا قدرتی که توسط نخبگان به راه افتاده، کاهش توان نظامی دولت است. ضعف توان نظامی دولت از شکست در جنگ خارجی نشأت می‌گیرد. عواملی که بر احتمال شکست تأثیر می‌گذارند. نیروی دیگری که دولت را تضعیف می‌کند، بحران مالی است. زمانی که دولت بحران مالی را تجربه می‌کند مشروعیت‌اش تحلیل می‌رود و توانش برای تجهیز نیروهای نظامی و کنترل عملی کاهش می‌یابد. نیروی مهم دیگری که دولت را تضعیف می‌کند، قدرت نسبی بخش‌های مسلط جامعه به‌ویژه نخبگان است. به همان اندازه که قدرت نخبگان افزایش می‌یابد، قدرت دولت متقابلاً کاهش می‌یابد. این رابطه قدرت به همان اندازه که نخبگان متراکم شوند و شبکه‌های قوی و مستقل از اقتدار دولتی به‌وجود آورند و یا کنترل دولت روی قدرت نظامی‌اش تضعیف شود و یا منافع کوتاه مدت نخبگان در حفظ امیتازاتشان مانع انجام اصلاحات لازم برای آرام کردن توده‌های مردم شود (رابطه قدرت مذکور) بر علیه دولت کار می‌کند. بنابراین از موارد تاریخی مورد مطالعه اسکاچپول روشن می‌شود؛ که چرا بروز انقلابات به‌ویژه در جوامعی که مرحله کشاورزی را گذرانده‌اند و به مراحل صنعتی‌تر و تجاری‌تر وارد شده‌اند، تا این اندازه کمیاب است. زمانی که زیردستان به‌سادگی نمی‌توانند بسیج شوند به‌علت شرایط متضاد زمانی که دولت قوی است شورش‌های دوره‌ای و آشوب‌ها به‌سادگی نمی‌توانند به یک انقلاب اجتماعی تمام عیار تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری

در گفتار پایانی در رابطه با تحلیل نظریه انقلاب اسکاچپول دو موضوع مهم به نظر می‌رسد: ابتدا؛ از نظریه‌های مختلف برای مطالعه تحولات انقلاب اسلامی ایران می‌توان بهره جست. ولی شایسته نیست در مطالعه تحولات تاریخی و تاریخ انقلاب اسلامی یک نظریه را بر پدیده‌ها و رخدادهای تاریخی تحمیل کرد. در این باره مایکل استنفورد در فصل نهم کتاب تاریخ پژوهی از این مسئله به

عنوان «نظریه در تاریخ» نام برده و معتقد است بر اساس مطالعات مورخ، نظریه جدید استخراج می‌شود. به تحمیل کردن یک نظریه در مطالعات تاریخی از آن به «استبداد نظریه» نام می‌برد.¹ هرچند فلسفه نظری تاریخ که زمانی رواج تام و تمام داشت، در قرن حاضر، با بی‌مهری و انکار مواجه شده است؛ با این حال، مسائلی که در صدد پاسخگویی به آن‌هاست، همچنان به قوت خود باقی‌اند و چاره‌ای جز مواجهه با آنها نیست. انقلاب اسلامی ایران در نظریه ساختاری خانم اسکاچپول قابل تطبیق کامل نیست، هرچند وی در تعدیل نظریه ساختاری و مقایسه‌ای که از انقلاب‌ها انجام داده است، بعد از مدتی از دولت رانتیر رژیم پهلوی و همچنین از دولت شیعی در پیروزی انقلاب اسلامی نام می‌برد. اسکاچپول می‌نویسد «اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده‌ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد، به‌طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آن‌ها صرفاً نیامد، بلکه به‌صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد»² ولی بخشی از تحولات تاریخ انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه مطرح شده قابل بررسی و تحلیل است. با تکیه بر روش‌شناسی تاریخی و مطالعه نظریه‌های بایستی تاریخ تحولات انقلاب را با مطالعه و در نظر گرفتن نظریه مختلف در فضای مخصوص به خود تحلیل و بررسی کرد.

دوم؛ منبع مالی دولت ایران قبل از نفت، مازاد عشیرتی و کشاورزی بوده است. این مازاد هیچ‌گاه نتوانست در بازار قرار گیرد و مبادله و تقسیم کار اجتماعی را گسترش دهد، چرا که مازاد محصول از سوی دولت‌ها مصرف می‌شده و در بازار عرضه نمی‌شد. به این ترتیب، طبیعی بود که امکان گسترش بازار و زمینه گسترش تقسیم کار اجتماعی به وجود نمی‌آمد. از هنگامی که نفوذ خارجی در ایران گسترش یافت و از زمانی که منابع نفتی مورد اکتشاف و بهره برداری قرار گرفت، به تدریج درآمدهای نفتی جایگزین مازاد محصولات کشاورزی شد. به عبارت دیگر، دولت‌های بعدی به این علت می‌توانستند مخارج نوسازی را تأمین کنند که قادر بودند درآمد نفتی را در اختیار گیرند. نفت به جای کشاورزی و دامداری توانسته است منابع مالی دولت را فراهم آورد. اما به طور متناقض، وابستگی به قیمت نفت، دولت را در برابر نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیر کرد. این آسیب‌پذیری به

1. مایکل استفورد، تاریخ‌پژوهی، ترجمه دکتر مسعود صادقی علی‌آبادی (تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و سمت، 1384)، فصل نظریه در تاریخ.

2. شکاری، عبدالقیوم؛ نظریه‌ی دولت تحصیل‌دار و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379، چاپ اول، صص

دو علت بود. یکی، بالا رفتن قیمت نفت که موجب فراوانی دلارهای نفتی و فعال شدن بیش از حد اقتصاد می‌شد. این فعالیت، در ظهور بسیاری از امکانات زیربنایی و رشد مؤثر تقاضا که سریعتر از روند عرضه بود، نمایان می‌گشت. در نتیجه این امر به تورم و کمبود امکانات اولیه از قبیل مواد غذایی و سایر کالاهای مصرفی منجر می‌شد. دیگر اینکه افزایش عایدات نفتی به طور متناقض باعث بالا رفتن هزینه‌های دولت می‌گشت که از درآمد آن پیشی می‌گرفت و بنابراین باعث افزایش آسیب‌پذیری ایران در برابر افت و خیزهای اقتصادی در بازار جهانی می‌شد. دولت پهلوی با تزریق رانت به جامعه، عده‌ای را وابسته‌ی خود نمود و آنان تقاضایی از رژیم نداشتند. ولی بسیاری از مردم ایران خواسته‌های ارزشی و دینی‌ای داشتند که به علت وجود فاصله‌ی زیاد میان خواسته‌های مردم و حاکمان، تضاد روز به‌روز عمیق‌تر و گسترده‌تر گردید که سرانجام پیروزی مردم و استقرار جمهوری اسلامی را در پی داشت. برای تبیین بهتر این مسأله لازم است ابتدا به اقدامات دولت رانتیر پهلوی و اسلام شیعی توجه شود. در جنبش مشروطه نیز، ایدئولوژی‌ای که باعث بسیج مردمی می‌شد ایدئولوژی‌ای شیعی بود که از طریق روحانیون طرفدار مشروطه بیان می‌گردید. در زمان جنبش ملی کردن نفت نیز نقش ایدئولوژی شیعی را در بسیج مردمی نمی‌توان نادیده گرفت، شاید به همین دلیل هنگامی که یک جناح از روحانیت دست از حمایت مصدق برداشتند، دولت وی نتوانست مردم را به صحنه بیاورد و از بروز کودتا جلوگیری نماید. وجود نیروها و تشکلهایی مانند بازار و روحانیان مبارز در عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، و مبارزه جدی علیه رژیم پهلوی تأثیر زیادی در روند تحولات داشته است.

کتابنامه

- استنفورد، مایکل. **تاریخ پژوهی**. ترجمه دکتر مسعود صادقی علی‌آبادی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و سمت، 1384.
- اسکاچپول، تدا. **دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی**. ترجمه‌ی سیدمجید روئین‌تن. تهران: سروش، 1376.
- اسمیت، دنیس. **درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی**. ترجمه هاشم آقا جری. تهران: نشر مروارید، 1386.
- حجاریان، سعید. **تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریات علوم اجتماعی**. رشد معلم. شماره 171. رجبیلو، علی. **تأمل نظری در مفهوم انقلاب**. حضور. شماره 16. تابستان و پاییز 1375.
- رفیع پور، فرامرز. **توسعه و تضاد**. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، 1377.

شکاری، عبدالقیوم. *نظریه‌ی دولت تحصیل‌دار و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379.

عیوضی، محمد رحیم. *تحول در نظریه‌های انقلاب*. نامه پژوهش. شماره 10 و 11. 1377.
فرهی، فریده. *نظریه‌ی تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی*. تهران. متین. سال اول. شماره اول. 1377.

فوران، جان. *انقلاب 79-1977: چالشی بر تئوری اجتماعی*. حضور. شماره 18.
ملکوتیان، مصطفی. *سیری در نظریه‌های انقلاب*. تهران: نشر قومس، 1387.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی